

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ فبروری ۲۰۲۱

گستره لایتنهای کاپیتولاسیون در افغانستان!

شنبه - ۰۲ حوت ۱۳۹۹ - کابل: تاجایی که از مطالعه متون حقوق چه در داخل کشور و چه در سطح بین المللی بر می آید، از گذشته های خیلی دور بدین سو، قوانین موضوعه، بین محل و مکان بروز یک جرم و قوانین حاکم بر همان محل نه تنها پیوند ناگسستنی قایل شده اند، بلکه عمدتاً در تمام مناطق و در تمام اعصار، یک متهم را در محلی که جرمی اتفاق افتاده و بر مبنای قوانین حاکم بر همان محل مورد باز خواست قرار داده اند.

در بند بالا نوشتیم "عمدتاً"، یعنی مطلقاً و بدون استثناء چنین نبوده، در بستر زمان در اقصا نقاط جهان مواردی وجود داشته، که متهم به اساس قوانین محل جرم مورد باز خواست قرار نگرفته، بلکه بر حسب قوانین نافذه محل سکونت و یا تابعیت کشوری خودش مورد باز خواست قرار گرفته است. این همان موردیست که در بحث های حقوقی بدان کاپیتولاسیون نام گذاشته اند.

این که شناسائی چنین حقی از کدام زمان و در کدام منطقه برای بار نخست به رسمیت شناخته شده است، امریست دشوار زیرا همان سان که در شرق اذعان به چنین حقی برای نمایندگان امپراتوری چین مشاهده شده است، در غرب نیز رومی ها در اوج اقتدارشان در تمام کشور های مفتوحه از آن برخوردار بوده اند، همچنان در قرون وسطی، خلفای عباسی نیز جهت تحکیم مناسبات تجاری شان با جهان غیر عباسی، به تجارانی که در داخل قلمرو خلافت عباسی و بعد ها عثمانی متهم به انجام جرمی می شدند، چنین حقی را قایل شده بودند.

به مثابه یکی از بارز ترین عواملی که باعث پیدایش و پذیرش این حق در یک کشور می گردد، ضعف، ناتوانی، وابستگی و مستعمراتی بودن کشوریست که در آن جرمی اتفاق افتاده و قوت اقتصادی، سیاسی و نظامی کشوریست که تبعه آن متهم به انجام جرمی در کشور میزبان شده است.

تا جایی که به افغانستان بر می گردد، علی رغم آن که از فاجعه هفت ثور ۱۳۵۷ تا سقوط آخرین زمامدار دست نشانده روس، کشور ما عملاً مستعمره اشغالگران روسی بود، مگر این پدیده ننگین و شوم در هیچ قانونی رسماً تسجیل نشده بود که دولت افغانستان حق نداشته باشد، اتباع روسی را که متهم به انجام جرمی در افغانستان شده باشند، در پرتو قوانین افغانستان کسی محکمه نتواند. هر چند در عمل عکس آن نیز کاری انجام نیافته است.

این وضعیت به محض اشغال خونبار افغانستان به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء حتا قبل از آن که موافقتنامه های امنیتی خاینانه با اشغالگران به امضاء برسند، عملاً همین اصل تطبیق شده، هیچ گاهی چه قبل از عقد موافقتنامه ها و

چه بعد از آن، دولت دست نشانده نه تنها حق و صلاحیت بازخواست از متهمان را نداشته، بلکه حق بازخواست از مجرمینی را که جرم شان کاملاً آشکار و محرز نیز بوده و نیاز به اثبات نداشته است، کاری انجام داده نتوانسته است. حال می خواست این اتهامات نظامی باشد و یا سیاسی و یا هم اختلاس و غارت میلیونها دالر از سرمایه های کشور ما، در اصل هیچ تفاوتی نمی کند، چنانچه نمونه های برجسته چنین جرایمی را نه تنها در عملکرد افراد نظامی اشغالگران بارها شاهد بوده ایم و همه مشاهده نموده ایم که مجرمان و جنایتکاران جنگی، امریکاء انگلیس، المان، استرالیا و بقیه کشور های اشغالگر چگونه در پناه و حمایت کاپیتولاسیون آزادانه به کشور شان برگشته اند، بلکه در مورد گوساله های دومادره یعنی افرادی که دوتابعیت داشته اند نیز هیچ کاری نتوانسته ایم انجام دهیم. خلیلزاد ها، حکیمی ها، قیومی ها و ده ها و صد ها دوتابعیت دیگر صد ها میلیون دالر را غارت نموده اند، مگر به اعتبار تابعیت دوم شان، کسی نتوانسته به ایشان بگوید، بالای چشم تان ابروست.

بر مبنای پهنای همین قانون است که امروز مولوی انصاری که در کنار تابعیت سابقه افغانستان، تابعیت عربستان را نیز دارد، هرچندی که دلش می خواهد می گوید، مگر کسی جلودارش شده نمی تواند.

هموطنان گرامی!

هرگاه فردی چون من نوعی که به قضایا بر مبنای منطق خودم حکم می نمایم و منطبق بر همان منطق افغانستان را کشوری مستعمره و دولت را دست نشانده می دانم، بیاید و هر نوع همکاری با چنین دولتی را خیانت ملی اعلام بدارد، به همان سان که به فتوای این و آن و یا تکیه بر خدا و پیمبر نیاز ندارد، حاکمیت هم می تواند چنین فردی را بر مبنای منطق خودش محاکمه نماید، مگر وقتی کسی می آید و با تکیه بر دین و آئین مردم و به گفته خودش کتاب خدا و سنت رسول، همکاری با چنین دولتی را "حرام" می داند، حاکمیت حق دارد چنین فردی را به اساس اعتقادات خودش و کتاب مورد قبولش محاکمه نماید. زیرا به اساس کتاب مورد قبول چنین افرادی، یکی از مصادیق بروز کفر، حلال خدا را حرام و حرام را حلال اعلام داشتن است.

هموطنان گرامی!

در سر و صدای جدیدی که ملا "انصاری" به راه انداخته، هرگاه خود حاکمیت با آن موافق نباشد، در کمال ضعف می تواند وی به کشوری که از آن تابعیت دارد اخراج نماید، امری که کاپیتولاسیون نیز جلو آن را گرفته نمی تواند. سکوت و تحمل تبلیغات افرادی از قماش ملا "انصاری" بدان معنا نیست که دولت دست نشانده با آزادی عقیده و بیان باورمند و متعهد است، بلکه بدان معناست، که اراکین این حاکمیت، در ذهن شان با این ادعای ملا "انصاری" موافق اند، از همین رو علیه وی اقدام ننموده، تبلیغات وی را "باد هوا" و "آلوده کننده" آن می دانند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!